

● صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
● مجری: مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی ایران
● رئیس هیات مدیره: صادق حسین جباری انصاری
● مدیرعامل و مدیر مسئول: علی متقیان
● سرمدیر ارشد مؤسسه: هادی خسرو شاهین
● سرمدیر ایران ورزشی: علی جوادی
● تلفن: ۰۲۱۸۸۵۰۱۱۳۳ • نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳
● چاپ: چاپخانه مؤسسه جام جم
● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ - ۸۸۵۴۱۳۰۰ - ۸۸۷۴۶۵۸۳
● امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ - ۸۸۷۴۱۹۵۴
● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
● صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵

ایران ورزشی

بیست‌وششمین دوره مسابقات باشگاهی فوتبال در سایه چالش‌های بزرگ کلید می‌خورد

اکران سریال لیگ خسته‌کننده

مردم تبدیل شده است. در چنین شرایطی، طبیعی است که نتیجه یک مسابقه

فوتبال، هزینه‌های چند ۱۰میلیاردی برای جذب بازیکنانی متوسط، یا حتی موفقیت در یک تورنمنت، دیگر جذابیت و اهمیت گذشته را نداشته باشد. فوتبال، که زمانی در صدر توجهات قرار داشت، اکنون به انتهای فهرست اولویت‌های جامعه‌ای رانده شده که با چالش‌های بنیادین زیستی دست‌وپنجه نرم می‌کند.

این افت محسوس هیجان، تنها در کاهش آمار بلیت‌فروشی و حضور فیزیکی تماشاگران در ورزشگاه‌ها خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در رکود گفت‌وگوهای ورزشی در جمع‌های خانوادگی، کاهش چشمگیر مخاطبان برنامه‌های تلویزیونی و افت کیفیت و کمیت محتوای تولیدی رسانه‌های مستقل و صفحات هواداری نیز به‌روشنی قابل مشاهده است.

زیرساخت‌های فرسوده

بحران میزبانی
جذابیت و استانداردهای یک فوتبال حرفه‌ای، هرگز به ۹۰ دقیقه رقابت در مستطیل سبز محدود نمی‌شود. بخش قابل‌توجهی از کیفیت این صنعت، به تجربه حضور در ورزشگاه، استاندارد زمین چمن، فناوری‌های تصویربرداری، بهره‌گیری از سیستم‌های دوری ویدیویی و همچنین امکانات رفاهی برای هواداران بازمی‌گردد. ولی زیرساخت‌های ورزشی ایران طی سال‌های متمادی، به‌دلیل ضعف در نگهداری، کمبود بودجه‌های عمرانی و نشانه‌هایی از سوءمدیریت، از پاسخگویی به حداقل‌های یک فوتبال حرفه‌ای و روزآمد فاصله گرفته‌اند.

ورزشگاه‌های فرسوده، زمین‌های ناهموار و چمن‌های کم‌کیفیت -که اغلب به افزایش خطر آسیب‌دیدگی بازیکنان نیز منتهی می‌شود- در کنار نور غیراستاندارد پروژکتورها و نبود خدمات بهداشتی و رفاهی اولیه برای تماشاگران، تنها بخشی از این تصویر نگران‌کننده است. در آستانه آغاز لیگ جدید، برخی از مهم‌ترین مسائل کشور در کالانشهرها با روندی فرسایشی از تخریب تدریجی، بازسازی‌های طولانی و فاقد برنامه مشخص و حتی اختلالاتی مانند قطعی آب و برق در

فوتبال در مسابقه مواجه‌اند؛ مسائلی که بیش از پیش فاصله با استانداردهای حرفه‌ای را برجسته می‌کند.

فراتر از این کاستی‌های ساختاری، پدیده‌ای نگران‌کننده‌تر با عنوان «آوارگی میزبانی» نیز به پیچیدگی‌های فوتبال ایران اضافه شده است. در شرایطی که بسیاری از شهرها به دلیل عدم اخذ مجوزهای حرفه‌ای از کنفدراسیون فوتبال آسیا یا فقدان تأییدیه‌های فنی، امکان برگزاری مسابقات رسمی را ندارند، باشگاه‌ها ناگزیرند دیدارهای خانگی خود را در شهرهای بدون گاه یا فاصله‌های طولانی یا حتی در ورزشگاه‌هایی بدون حضور تماشاگر برگزار کنند. این جابه‌جایی‌های

گزارش ویژه

محمدرضا رحیم‌پور

خبرنگار

در حالی که فصل جدید فوتبال ایران از روز جمعه آغاز می‌شود، فضای حاکم بر اتمسفر ورزشی کشور بیش از آنکه تداعی گر شور و شوق، انتظار هیجان‌انگیز و تب‌وتاب همیشگی باشد، به یک روایت فرسایشی و کمرق شباهت دارد؛ روایتی مملو از دغدغه‌های انباشته و نشانه‌هایی از نوعی دل‌زدگی عمومی. روزگاری که چندان دور، فوتبال نبض تپنده کوچه و خیابان‌ها بود؛ کانون اصلی گفت‌وگوهای روزمره و بستری برای تخلیه هیجانات اجتماعی. هر نقل‌وانتقال مهم به بحثی فراگیر تبدیل می‌شد و رسانه‌ها در چنین نوبت به بازتاب آن می‌پرداختند. ولی آن روزهای پرشور اکنون به خاطره‌ای دور، کمرنگ و غبارگرفته در حافظه جمعی تبدیل شده‌اند.

امروز، در سایه چالش‌های سنگین و فراینده اقتصادی، ناامیدی ناشی از نتایج کم‌فروغ و بی‌ررق تیم ملی و باشگاه‌های مدعی و نیز فرسودگی قابل مشاهده زیرساخت‌های فیزیکی و حتی اخلاقی، یک پرسش اساسی در برابر کارشناسان و جامعه‌شناسان ورزشی قرار دارد: آیا فوتبال ایران، این پیکر سالخورده و وابسته به منابع عمومی، جاذبه خود را برای همیشه از دست داده و از دایره دغدغه‌ها و دلبستگی‌های اصلی مردم خارج شده است؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم واکاوی دقیق و چندلایه بحرانی است که به‌نظر می‌رسد بیش از آنکه تعمیلی باشد، ریشه در درون خود این ساختار دارد.

فوتبال در جغرافیای ایران همواره فراتر از یک بازی ۹۰ دقیقه‌ای با سرگرمی ساده تعریف شده است. این پدیده اجتماعی، نقش‌رسانی مشترک را ایفا می‌کند که می‌توانست افشار مختلف را -با وجود همه تفاوت‌ها- به یکدیگر پیوند دهد و از بزمگاه‌های حساس، به نمادی کم‌پدیل در همبستگی، غرور و نشاط ملی تبدیل شود.

ولی امروز سکوهای سرد و سیمانی ورزشگاه‌ها بیش از هر زمان دیگری خلوت و بی‌روح به نظر می‌رسند. کری‌خوانی‌های پرشور، گفت‌وگوهای برحرارت هواداری -چه در فضای واقعی و چه در شبکه‌های اجتماعی- جای خود را به یکنواختی، عصبانیت فراوان و در برخی اوقات به بی‌تفاوتی مزمن داده‌اند. ریشه‌های این افول عاطفی و افت کیفیت در هواداری را نمی‌توان به یک یا دو عامل تقلیل داد؛ بلکه این وضعیت حاصل فرسایش تدریجی پیوند عاطفی میان جامعه و فوتبال است.

در وهله نخست، مسائل معیشتی به اصلی‌ترین و فوری‌ترین اولویت زندگی

پیروز قربانی : برای نسل ما فوتبال یک تفریح نبود، بخشی از زندگی بود

پیروز قربانی، پیشکسوت فوتبال، درباره تفاوت نسل گذشته با نسل جدید و تغییر شکل سرگرمی‌ها و علایق جوانان گفت: «یکی از دلایل به نظر من محدودیت‌هایی بود که ما داشتیم. ما فقط فوتبال را داشتیم اما نسل جدید آپشن‌های خیلی بیشتری برای اینکه خودش را سرگرم کند دارد. بازی‌های کامپیوتری و خیلی سرگرمی‌های دیگر که اصلاً قابل

قیاس با گذشته نیستند. ما واقعاً در کوچه فوتبال بازی می‌کردیم و به خانه می‌آمدیم، فوتبال می‌دیدیم. یعنی فوتبال برای ما یک چیز عجیب و البته بخش مهمی از زندگی بود. اما آپشن‌های نسل جدید نسبت به ما خیلی بیشتر شده است و آنها انتخاب‌های بسیار متنوع‌تری برای سرگرمی و تفریح دارند.» قربانی با اشاره به علاقه شخصی خود به فوتبال گفت: «اگر

امروز هزار کنسرت، میهمانی یا هر نوع تفریح دیگری را در کنار یک مسابقه فوتبال بگذارند من اصلاً امکان ندارم فوتبال را عوض کنم. من واقعاً فوتبال را ترجیح می‌دهم. حتی اگر یک کنسرت خیلی خوب باشد، باز هم انتخاب من فوتبال است. اما نسل جدید انتخاب‌های زیادی دارند و طبیعی است در چنین شرایطی این فوتبال ما انتخاب اول آنها نباشد.»

نگاه

چشم‌انداز تیره آینده لیگ حرفه‌ای

فوتبال باشگاهی

نیازمند جراحی فوری است

در فضایی آکنده از چالش‌های مالی و زیرساختی، انتظار می‌رفت تیم ملی فوتبال و باشگاه‌های نماینده ایران در تورنمنت‌های قاره‌ای به‌مثابه یک کاتالیزور عمل کنند و با کسب نتایج درخشان، بار دیگر نشاط، اعتمادبه‌نفس و غرور را به جامعه تزریق کنند. با این حال، نتایج ناامیدکننده، کمرق و فاقد جهت‌گیری مشخص در ماه‌های اخیر، نه‌تنها این خلأ را جبران نکرد، بلکه بر عمق ناامیدی عمومی افزود.

شکست‌های پرتکرار با حتی پیروزی‌های حداقلی و بی‌کیفیت در رقابت‌های معتبر، نمایش‌های بی‌روح و دور از تاکتیک‌های مدرن در بازی‌های رسمی و دوستانه و سرگردمی در تدوین راهبردهای فنی، به‌تدریج سرمایه اعتماد عمومی نسبت به کادر فنی و بازیکنان ملی را فرسوده است. امروز دیگر بسیاری از هواداران، رؤیاهای پرشور صعود به مراحل حذفی جام جهانی یا قهرمانی در آسیا را در ذهن نمی‌پروراند و ناگزیر به پذیرش واقعیتی تلخ شده‌اند: فوتبال ملی ایران، به‌دلیل فقدان ساختارسازی، کمبود دانش فنی روز و بهره‌گیری از کادرهای کم‌تجربه، فاصله‌ای قابل‌توجه با جریان پیشرفت فوتبال مدرن پیدا کرده است.

این پرسفت، در رقابت‌های باشگاهی آسیا به شکلی آشکارتر و البته دردناک‌تر نمایان شد. کارنامه نمایندگان ایران در فصل گذشته، تصویری نزدیک به یک تراژدی کامل بود. پرسپولیس و استقلال از سطح نخست رقابت‌ها (لیگ نخیکان آسیا) و تراکتور و سپاهان در سطح دوم (لیگ قهرمانان آسیا ۲)، همگی به مراحل ابتدایی یا میانی، با ارائه نمایش‌هایی نه‌چندان قانع‌کننده، از گردونه رقابت‌ها کنار رفتند. این حذف‌های همزمان و زود هنگام، علاوه بر کاهش محسوس سهمیه‌های ایران در فصل‌های آتی، نشان داد فاصله ساختاری، فنی و اقتصادی میان لیگ ایران و رقبای آسیایی، به شکافی عمیق تبدیل شده است. نقطه اوج این وضعیت، شکست سنگین تیم ورزشدشن و پرمهره لیگ برتر ایران (تراکتور) مقابل تیمی از میانه جدول لیگ عربستان بود؛ رخدادی نمادین که به‌خوبی نشان می‌دهد چگونه درآمدهای تجاری، جذب ستاره‌های بین‌المللی و مدیریت حرفه‌ای در کشورهای منطقه، مسیر رشد را هموار کرده، در حالی که فوتبال ایران همچنان در سایه اختراعات گذشته و وعده‌های محقق‌نشده متوقف مانده است.

با مرور این زنجیره چالش‌ها، به نظر می‌رسد فصل‌های پیش روی لیگ برتر و رقابت‌های ملی، نه آغازگر دوره‌ای تازه از شکوفایی، بلکه در صورت تداوم روند فعلی، همراه با ثبت رکوردهای منفی جدید خواهند بود. کاهش بیشتر حضور تماشاگران در ورزشگاه‌ها، احتمال ورشکستگی برخی باشگاه‌های باسابقه، افت محسوس کیفیت فنی مسابقات و بررنگ‌تر شدن حواشی‌های داور و انضباطی، از جمله تهدیدهایی هستند که فوتبال ایران با آنها مواجه است.

در سوی دیگر، تیم ملی فوتبال ایران در آستانه حضور در رقابت‌های جام ملت‌ها قرار دارد؛ تورنمندی که در سال‌های اخیر، بیش از آنکه مایه افتخار باشد، به نمادی از ناکامی و سرخوردگی تبدیل شده است. با توجه به روند نزولی فعلی، نبود برنامه‌ریزی مؤثر برای جوانگرایی و فاصله فنی قابل‌توجه با قدرت‌های درخشان آسیا مانند ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و عربستان، دستیابی به قهرمانی چندان محتمل به نظر نمی‌رسد. ناکامی احتمالی دیگر، می‌تواند ضربه‌ای جدی به اعتماد عمومی وارد کرده و فوتبال را بیش از پیش از کانون توجه جامعه دور کند.

فوتبال ایران امروز در یک بزمگاه تاریخی قرار گرفته است. از یک سو، فشارهای اقتصادی، این ورزش را از اولویت‌های اصلی مردم خارج کرده و از سوی دیگر، ناکارآمدی ساختاری و ضعف نظارتی آن را از رقابت جدی در سطح آسیا بازداشته است. روشن است که با اقدامات مقطعی، تزریق منابع مالی بدون برنامه، تغییرات مکرر مربیان و تکرار شعارهای کلی، نمی‌توان امید و پویایی را به این عرصه بازگرداند.

برای احیای سرمایه اجتماعی فوتبال، انجام اصلاحات بنیادین ضروری است. نخستین گام، کاهش نقش مستقیم دولت و نهادهای عمومی در مدیریت باشگاه‌ها و حرکت به‌سوی واگذاری واقعی به بخش خصوصی توانمند و سازوکارهای هواداری است؛ اقدامی که می‌تواند به شفافیت مالی و پاسخگویی مدیریتی بینجامد. در ادامه، تعیین تکلیف حقوقی و اجرایی حق پخش تلویزیونی، از طریق تدوین قوانین الزام‌آور و ایجاد سازوکار توزیع عادلانه درآمدهای رسانه‌ای میان فدراسیون و باشگاه‌ها، باید به‌طور جدی دنبال شود. در کنار این موارد، نوسازی زیرساخت‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد؛ از بازسازی استادیوم‌های قدیمی و تجهیز آنها به فناوری‌های نوین مانند VAR گرفته تا جذب سرمایه‌گذاران برای ایجاد مجموعه‌های مدرن ورزشی مطابق با استانداردهای کنفدراسیون فوتبال آسیا زیرا ورزشگاه، نخستین نقطه تماس هوادار با فوتبال است و می‌تواند تجربه‌ای تازه و امیدبخش برای بازگشت مخاطبان فراهم آورد.

فوتبال ایران، بیش از هر زمان دیگری، نیازمند تصمیم‌های شجاعانه، برنامه‌ریزی بلندمدت و پرهیز از روزمرگی است؛ در غیر این صورت، خطر از دست رفتن جایگاه اجتماعی و رقابتی آن، بیش از پیش جدی خواهد بود.

در کشورهای صاحب‌سبک و موفق در عرصه فوتبال، مدیرانی در رأس امور قرار می‌گیرند که از دانش تخصصی در حوزه مدیریت ورزش، اقتصاد و بازاریابی برخوردارند. این مدیران، باشگاه را به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی پویا تعریف می‌کنند و بر پایه برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت، منابع مالی مشخصی را به توسعه تیم‌های پایه، آکادمی‌ها، زیرساخت‌های تمرینی، کادرهای پزشکی و بهره‌گیری از تحلیل‌های علمی اختصاص می‌دهند. در مقابل، در ایران اغلب شاهد حضور مدیرانی غیر ورزشی و غیر متخصص در جایگاه‌های کلیدی هستیم که نه‌تنها از تخصص لازم در مدیریت ورزشی یا صنعتی برخوردار نیستند، بلکه انتصاب آنها عمدتاً بر پایه روابط غیر ورزشی یا سفارش‌های بیرونی شکل می‌گیرد.

چنین مدیرانی که معمولاً با افق زمانی کوتاه‌مدت فعالیت می‌کنند، برای جلب رضایت مقطعی هواداران و حفظ موقعیت خود، به انتقاد قراردادهای پرهزینه و اغلب فاقد توجیه فنی یا بازیکنان متوسط حیاتی افسان‌ساز می‌آورند؛ تصمیماتی که در نهایت بدهی‌های سنگین و تعهدات مالی بلندمدت را برای باشگاه‌ها بجا می‌گذارد. این چرخه، با نخستین تغییرات مدیریتی در سطوح بالادستی یا بروز چالش‌های مقطعی، بار دیگر تکرار می‌شود و جای خود را به مدیرانی با همان الگوی ناکارآمد می‌دهد.

حاصل این بی‌ثباتی و آشفتگی مدیریتی، شکل‌گیری ساختاری است که بیش از آنکه مبتنی بر برنامه‌ریزی علمی و استراتژیک باشد، بر تصمیمات مقطعی و خریدهای هیجانی استوار است؛ ساختاری که در مواجهه با رقابت‌های جدی، به‌ویژه در عرصه بین‌المللی، به سرعت دچار فرسایش شده و توان رقابت‌پذیری خود را از دست می‌دهد.

درآمدها، شکل‌گیری باشگاه‌هایی است که اغلب با بدهی‌های انباشته، وابستگی به منابع عمومی یا حمایت‌های مقطعی و فقدان ثبات مالی مواجه‌اند. باشگاه‌هایی که زمانی با اتکا به سرمایه اجتماعی و هواداران خود جذب سرمایه می‌کردند، امروز درگیر پرونده‌های انضباطی بین‌المللی، کسر امتیاز، محدودیت در نقل‌وانتقالات و چالش‌های اداری فرساینده شده‌اند. در چنین شرایطی، برنامه‌ریزی بلندمدت برای توسعه آکادمی‌ها و زیرساخت‌ها جای خود را به تلاش‌های کوتاه‌مدت برای بقا داده است.

حتی خریدهای پرهزینه و به‌ظاهر پرسروصدا در بازار نقل‌وانتقالات نیز بیش از آنکه نشانه‌ای از توان مالی باشد، می‌تواند به‌عنوان تصمیمی پریسک و نمایشی تلقی شود؛ تصمیمی که نه‌تنها بدهی‌های پیشین را کاهش نمی‌دهد، بلکه بر بار مالی باشگاه‌ها افزوده و آنها را بیش از پیش در معرض چالش‌های مدیریتی و حتی خطر فروپاشی قرار می‌دهد.

ساختار بیمار و چرخه معیوب لیگ

کارشناسان، پیشکسوتان، جامعه‌شناسان و حتی حقوقدانان ورزشی، بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که مجموعه این معضلات و روند افول، بیش از آنکه حاصل عوامل پراکنده باشد، ریشه در یک عامل بنیادین دارد؛ مدیریت ناکارآمد، رانتی و فاقد تخصص در سطوح عالی و اجرایی فوتبال ایران. نبود برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و توسعه‌محور، به‌کارگیری مدیران غیرمتخصص و موسوم به «اتوبوسی»، نشانه‌هایی از ضعف‌های ساختاری در فرآیندهای نقل‌وانتقالات و نیز فقدان شفافیت مالی، از جمله مشکلات مزمنی هستند که سال‌هاست این حوزه را درگیر کرده و به‌مرور زمان ابعاد پیچیده‌تری یافته‌اند.

مکرر، علاوه بر تحمیل هزینه‌های سنگین سفر و اقامت به باشگاه‌ها، پیوند عاطفی و هویتی میان تیم و هواداران را تضعیف کرده و هوادار را از ابتدایی‌ترین حق خود -تماشای نزدیک تیم محبوب- محروم می‌کند.

مشکلات اقتصادی؛ از سکو تا چمن

چالش‌های فوتبال ایران به سکوهای نیمه‌خالی و کاهش اشتیاق هواداران محدود نمی‌شود؛ بلکه ساختار اقتصادی ناپایدار باشگاه‌ها، زخمی عمیق‌تر بر پیکره این ورزش وارد کرده است. در حالی که هزینه‌های حرفه‌ای گری‌از-دستمزدهای فراینده بازیکنان و مربیان تا هزینه‌های لجستیکی، سفر، اردو و نگهداری زیرساخت‌ها- به‌طور مستمر افزایش یافته، منابع درآمدی باشگاه‌های ایرانی نه‌تنها همگام با این روند رشد نکرده، بلکه در بسیاری موارد با محدودیت یا کاهش جدی مواجه شده است. در الگوی جهانی، چهار منبع اصلی درآمدی شامل حق پخش تلویزیونی، تبلیغات و محیطی اسپانسرینگ، فروش بلیت و خدمات روز مسابقه و همچنین ترانسفر بازیکن به همراه بهره‌برداری از حقوق مالکیت معنوی و برندینگ، ستون‌های مالی باشگاه‌ها را تشکیل می‌دهند. ولی در فوتبال ایران، مهم‌ترین این منابع -یعنی حق پخش تلویزیونی- به دلیل مقاومت مدیران تلویزیون عملاً سهم ناچیزی در درآمد باشگاه‌ها دارد. تبلیغات محیطی با چالش‌های حقوقی و نبود شفافیت مالی دست‌وپنجه نرم می‌کند. درآمد بلیت‌فروشی به‌سبب وضعیت نامطلوب ورزشگاه‌ها و ضعف سامانه‌های اجرایی محدود است و بازار ترانسفر نیز به‌دلیل افت نسبی کیفیت بازیکنان داخلی رونق چندانی ندارد.

پیامد این ناهماهنگی میان هزینه‌ها و

واعظ آشتیانی: حال مردم با این فوتبال خوب نیست

امیررضا واعظ آشتیانی، مدیرعامل اسبق استقلال، با انتقاد از وضعیت مدیریتی فوتبال ایران توضیح داد: «باید به عملکرد مدیران فوتبال توجه کرد. زمانی که مجری رسانه ملی از رئیس فدراسیون فوتبال، آقای تاج، درباره سرانجام پرونده ویلموتس سؤال می‌کند و پاسخ می‌شود که «در جیب من است»، باید پرسید از مردم چه انتظاری داریم؟ وقتی مطالبه عمومی به چنین شکلی پاسخ داده می‌شود، معنایش چیست؟ آن سؤال، خواسته مردم بوده است. وقتی پول بیت‌المال هزینه می‌شود و در نهایت، مدیران با چنین قراردادهایی مواجه می‌شوند و هیچ برخورد مؤثری هم صورت نمی‌گیرد، طبیعی است که مردم نسبت به فوتبال بدبین شوند.»

او ادامه داد: «اکنون بحث موفقیت تیم ملی مطرح است. حتی اگر فرض کنیم تیم ملی به‌جای صعود از گروه، قهرمان جام جهانی هم شود، مردم این نوع رفتارهای مدیریتی را چگونه ارزیابی خواهند کرد؟ همین مسائل است که حال مردم را نسبت به فوتبال نامطلوب می‌کند.»

واعظ آشتیانی در بخش دیگری از سخنان خود به مسائل اقتصادی فوتبال پرداخت و گفت: «وقتی اتفاقاتی مانند مجاری مس رفیعنجان رخ می‌دهد و مردم آن را مشاهده می‌کنند، این نیز بر نگاه آنها تأثیر منفی می‌گذارد. از سوی دیگر، در شرایطی که مردم با مشکلات اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، شنیدن ارقام قراردادهای ۳۰ یا ۴۰ میلیارد تومانی برای بازیکنان و مربیان، فاصله و تارخا‌ی‌تری را بیشتر می‌کند.» او افزود: «حال خوب فوتبال زمانی معنا دارد که این ورزش برای مردم گران تمام نشود، گروهی خاص از آن منتفع نشوند و منابع عمومی به شکل غیرشفاف هزینه نشود. در حال حاضر، اغلب تیم‌ها وابسته به دولتی یا مجموعه‌های خصولتی هستند. اگر این حمایت‌ها قطع شود، بسیاری از افراد شاغل در این حوزه با مشکل مواجه خواهند شد. چنین شرایطی، هزینه‌کرد از بیت‌المال و انتظار رضایت عمومی، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.»

مجید جلالی: ما خودمان علیه فوتبال عمل می‌کنیم

مجید جلالی، مربی و کارشناس فوتبال، درباره کاهش محبوبیت فوتبال در میان مردم توضیح داد: «یکی از دلایل اصلی کاهش علاقه عمومی به فوتبال در ایران، شرایط کلی کشور است. نمی‌توان انکار کرد که در وضعیت کنونی، فوتبال دیگر در اولویت دغدغه‌های مردم قرار ندارد و مسائل اقتصادی و معیشتی اهمیت بیشتری یافته‌اند. این موضوع، توجه افکار عمومی را از فوتبال دور کرده است. با این حال، اهالی فوتبال نیز در شکل‌گیری این وضعیت بی‌تأثیر نبوده‌اند.»

او ادامه داد: «در گذشته، صعود به جام جهانی یک رویداد ملی مهم محسوب می‌شد و مردم با فوتبال زندگی می‌کردند. به فوتبالیست‌ها علاقه داشتند و شیفته فضای آن بودند. اما امروز، به دلایل مختلف، فوتبال تا حدی جایگاه خود را در میان افشار مختلف جامعه از دست داده است. یکی از این دلایل، رفتار و گفتار برخی از فعالان این حوزه است که موجب دلسردی مردم شده و حتی در مواردی به نوعی بی‌اعتمادی نسبت به فوتبالیست‌ها منجر شده است. این تصور که با نفی دیگران می‌توان خود را اثبات کرد، رویکردی است که در سال‌های اخیر به اعتبار فوتبال لطمه زده است.»

جلالی با انتقاد از فضای حاکم بر فوتبال افزود: «وقتی افراد مرتبط با فوتبال به اشکال مختلف و با اتهامات گوناگون مورد حمله قرار می‌گیرند، از جوهره این ورزش چیزی باقی نمی‌ماند که مردم بتوانند به آن علاقه‌مند باشند. حتی اگر بخشی از این انتقادها درست باشد، تداوم این فضا در نهایت به دلسردی عمومی منجر می‌شود.»

او همچنین به حواشی مسابقات اشاره کرد و گفت: «در بسیاری از مسابقات شاهد بحث‌ها و تنش‌های گسترده پس از بازی هستیم. گاهی ادعا می‌شود داوری ناعادلانه بوده یا نتیجه از پیش تعیین شده است. چنین فضایی به‌شدت بر کاهش محبوبیت فوتبال تأثیرگذار است.»

جلالی در پایان تأکید کرد: «با وجود همه این مشکلات، هنوز گروهی از مردم فوتبال را دوست دارند و آن را دنبال می‌کنند. با این حال، باید پذیرفت که ما خودمان در حال آسیب زدن به فوتبال هستیم و لازم است در این رویکرد تجدیدنظر جدی صورت گیرد.»